



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۸/۳/۲۷

قاسم باز

## صرف بانديست های حفيظ الله امين مطالعه فرمايد!

چرا؟ ديموکراتيک های خلقی، اين ادمکشان حرفوی و دشمنان اشتی ناپذير امپرياليزم ديروز، امروز دوستان اشتی پذير وجيره خوار امپرياليزم شدند. چرا اين فرشته های؟ نجات زحمتکشان ديروز، منفور ترين فرزندان امروز وطن عزيز ما شدند.

**ماته دجنت قيصى ، خائنه د دنيا حساب**

**دادی عجيبه انصاف، دادی عجيبه کتاب**

خوانندگان حق شناس ما ميداند که شعار دادن کاريست خیلی ساده، بسيط و اسان، ولی عمل کردن به شعارها انهم شعارهای دروغين، کاذب و میان تهی کاريست بسا مشکل.

در اینجا در ذهن بعضی از هموطنان ماشايد سوالی خطور کند که چرا یک عده وطن پرستان؟ دروغين کاغذی و پلاستيکی حزب ديموکراتيک خلق نتوانستند به شعارهای میان تهی خویش که انها ان شعارها را از روی برنامه غير علمی و غير عملی حزب خود يعنی حزب خلق گرفته و به اصطلاح عاميانه پخپو کرده بود عملی کرده نتوانستند؟

جواب اين سوال واضح و روشن است. بنظر اين حقير و فقير انها ايديالوژی مارکسيزم ، ليننيزم را که انها انرا سرمشق اهداف غير مرعی خود قرار داده بودند، چون انها در ان ايديالوژی معلومات علمی و کافی نداشتند از ان ذره نمی دانستند و هيچ بوی نمی برده ، بهمين خاطر بود که انها ان ايديالوژی را هضم کرده نتوانستند. تجمع آنها در زیر سقف یک حزب انهم حزب عقده يی و چپی بخاطر خدمت بمردم افغانستان نبوده بلکه مرام و هدف انها ارضا عقده های درونی انها بود.

حزب خلق از روز تاسيس و پایه گذاری، که تاسيس ان هم به قومنده مستقيم کشور اتحاد جماهير شوروی و سازمان مخفی و استخباراتيک، جی بی در افغانستان صورت گرفته بود توسط یک عده افراد جاهل و بی خبر از سياست جهانی اساس گذاشته شده بود

د پانو شميره: له 1تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پتهله مور سره اړيکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

يادونه: دليکنې دليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خيږ و لولئ

از آن وقت تا الحال این حزب در قضیه ملی افغانستان نقش غیری ملی، غیر اصولی و غیر دیموکراتیک را بازی نموده و می نماید. عاقبت بخیر.

اگر ما امروز بطور واقعی و حقیقی به پیش منظر و پس منظر این حزب از روز اول تاسیس تا حال نظر اندازی کنیم، بوضاحت خواهیم دید که این حزب در طول دوران موجودیت خود رهبران نام نهاد خویش را بنامای شرم اور یاد کرده، اینکه این و آن رهبر شان چی کاره بوده و چی کردند ما به آن نمی چسبیم، ولی به جرات گفته می توانیم بگویم که رهبران آن حزب، در طول موجودیت حزب خود یکدیگر شانرا به الفاظ رکیک مانند نوکر، خاین ملی، وطنفروش ووو خطاب نموده و تا حال یاد میکنند، بطور مثال.

نورمحمد تره کی: حفیظ الله امین و ببرک کارمل و طرفداران، ظاهر بدخشی را بنام خاینین ملی سکتاریستها خطاب نموده. و برعکس ظاهر بدخشی: آنها را بنام خاینین ملی یاد کردند. همچنان نورمحمد تره کی: حفیظ الله امین و ببرک کارمل را بنام جاسوسان، خاینین ملی خطاب می نمودند، حفیظ الله امین، باز هر سه اشخاص فوق الذکر را خاینین ملی، دوشمنان انقلاب ثور؟ و دشمنان زحمتکشان افغانستان خطاب مینموده، حتی در این مورد حفیظ الله امین پا را فراتر نهانده وی سلطان علی کشتمند که بعضی مردم وی را بنام شیطان علی گوسفند خطاب مینماید با هریک اسلم و طنجانر (وطنغار)، شیر مزدوریار، اسدالله سروری، سید محمد گلابزوی ووو را نوکران بیگانه گان، ضد انقلاب جواسیس امپریالیزم و ضد زحمتکشان خطاب میفرمود.

ببرک کارمل: نورمحمد تره کی و حفیظ الله امین را خاینین به حزب و مارکسیزم لینینیزم یاد مینمود، حتی ببرک کارمل، حفیظ الله امین را میر غضب ضد انقلاب، عوامفرب بینظر و جاسوس سیاه خطاب یاد مینمود و یاد میکرد. همچنان ببرک کارمل و محمود بریالی و همفکران آنها داکتر نجیب الله را خاین ملی سازش کار دروغگوی خطاب مینمود. همچنان نجیب الله و طرفدارن وی ببرک کارمل، محمود بریالی و دار و دسته شانرا را بنام های غداران و خاینین ملی گل باران مینمودند.

**پس در اینصورت، واقعینانه و بجا خواهد بود که ما مردم به این سرکردهای حزب دیموکراتیک خلق، خاینین ملی وطنفروشان حرفوی، عوام فریبان بینظر، قاتلین ملت، قصبان مسلکی و بی رحم و عقیدی خطاب نمایم.**

یک مقوله است که میگوید:

اشپیش زاده باش ، نه حرامزاده.اگر هموطنان ما کتاب عبدالوکیل سابق وزیر خارجه زمان داکتر نجیب الله بنام ( از پادشاهی مطلقه تا سقوط جمهوری دیموکراتیک ) را خوانده و یا مطالعه کرده باشد، آقای عبدالوکیل تا یک اندازه زیاد در این کتاب دو جلدی خود خیانت های اعضای رهبری حزب دیموکراتیک خلق را سلسله وار بهموطنان خود افشاه نموده که هیچ عضو حزب خلق نمی تواند از آن انکار نماید.

وی در کتاب دو جلده خود که تازه به چاپ رسیده مینویسد: علی احمد خرم وزیر پلان کابینه جمهوریت محمد داودخان ومیر اکبر خیبر عضو کمیته مرکزی حزب پرچم به قومنده مستقیم حفیظ الله امین و بانڈیستهای منفور امین بقتل رسیدند.

### جناب عبدالوکیل مینگارد:

قاتل اصلی آقای علی احمد خرم وزیر پلان دولت جمهوری داودخان شخص بنام مرجان که عضویت حزب خلق را داشت و ساکن ولایت قندز بود وی توسط حفیظ الله امین بکمک و همکاری چند تا دیگر ترورست ها و بانڈیستهای حفیظ الله امین که اسمای شان در ذیل ذکر میگردد موظف شده بودند تا علی احمد خرم را بقتل برساند. چنانچه قاتلین در نقشه طرحه شده خود موافق گردیدند و قاتلین به بسیار اسانی آقای علی احمد خرم را بقتل رساند. وکیل اضافه میکند می نویسد: بعد از وحدت حزب دیموکراتیک خلق، حزب غرض بررسی قتل علی احمد خرم به آقای سلیمان لایق وظیفه داده تا وی به قندز که جای اصلی مرجان نام بوده رفته تا این موضوع را از نزدیک بررسی نماید، وی اضافه میکند ، بعد از بررسی هیت،سلیمان لایق گذارشات خود را بکابل آورد و متذکر گردید، که در قتل علی احمد خرم دست مستقیم حفیظ الله امین دخیل بوده و است.

مشهور ترین بانڈیستهای حفیظ الله امین عبارت بود از : فقیر محمد فقیر وزیر داخله زمان امین، انجنیر ظریف وزیر مخابرات، برادران عالمیار هر یک صدیق عالمیار و عارف عالمیار و خیال محمد کتوازی وزیر رادیو و تلویزیون . که از این جمله افراد ترورست و بانڈیست حفیظ الله امین، هریک انجنیر ظریف، و دو برادران عالمیار در روزهای اول اقتدار آقای ببرک کارمل بعد از شش جدی محکوم به اعدام شدند و فقیر محمد فقیر وزیر داخله و خیال محمد کتوازی به حبس چندین ساله محکوم و در محبس پلچرخ زندانای گردید. به هر صورت.

بنظر من پروگرام نام نهاد ( مصالحه ملی ) داکتر نجیبالله که صرف بخاطر عوام فریبی در روزهای اخیر حکمروایی ان حزب مطرح گردیده بود، ان پروگرام ملل متحد توسط سازمان جاسوسی /کی جی بی و حزب دیموکراتیک خلق؟ که بعداً بنام حزب وطن

مسما گردید، ناکام شد. کی جی بی و اعضای حزب دیموکراتیک خلق ( وطن ) میدانستند که انتقال قدرت به یک عده افرادی که سابقه درخشان و خوبی در جامعه افغانی دارد قابل پذیرش به آنها نبود، آنها میدانستند که به قدرت رسیدن اینگونه اشخاص صالح و ملی از آنها در مورد جنایت شان که از دست آنها سر زده بود پرس و پال صورت خواهند گرفت و آنها از آن جمله جنایات که در وقت اقتدار از آنها سر زده بود مورد موخذه، تعقیب عدلی و محکمه قرار خواهند گرفت. همچنان ان پروگرام ملل متحد نه به روسها نه به امریکاییها نه به پاکستانیها و نه به ایرانیها قابل قبول نبود، بخاطریکه این کشورها در زمان جنگ و جهاد انوقت در افغانستان بالای نوکران خود و احزاب طرفدار خود سرمایه گذاری کرده بودند، بهمین خاطر بود که پروگرام بینن سیوان در قدم اول توسط حزب دیموکراتیک خلق یعنی حزب ( وطن ) و کی جی بی و بعداً توسط آخرین گروپ استخباراتی و اپراتیفی بنام ائتلاف شمال و توسط روسیه شوروی ناکام گردید. در اینجا است که این حزب منفور در دقایق اخیری حیات خود بازهم بالای این ملت مظلوم رحم نکرد آنها مانند گذاشته مرتکب خیانتهای ملی و گناه های نابخشودنی دیگری گردیدند، آنها بار دیگر دستهای پلید خود را بخون هزاران هموطن ما اغشته و رنگین ساختند.

امروز بازهم این وطنفروشان بینظر بنام پشتون و تاجک، شعیه و سنی در بین اقوام برادر افغان حس تفرقه و بدبینی را ایجاد مینماید که نمونه بارز آن شخص بنام سلطانعلی کشتمند، لطیف پدram و امثالهم آنها است، آنها امروز در شهرهای لندن، هالند، سویس، دنمارک، ناروی، امریکا، کانادا و استرالیا نشسته جیره امپریالیزم را میخورند. یکدسته این گروپ بسرکردگی لطیف پدram، سلیمان لایق، شهنواز تئی ووو، در کابل بستر انداخته و داد از وطن پرستی و مردم دوستی میزند و از دیموکراسی قلابی غربی کرزی و کورزی سوء استفاده میکند، در این گروپ مخل و شیادک عده شان بحیث مدافعین حقوق پشتونها و دیگری شان بحیث مدافعین حقوق تاجکها، هزاره ها، ترکمنها و ازبکها ناله و فریاد میکشد.

لطیف پدram این بقایه حزب دیموکراتیک خلق، به بهانه جویهای رنگارنگ سیکتاریستی شان که وی امروز زیر نام مصنوعیت پارلمانی علنی دستهای خود را بر زده میخواهد شیرازه وحدت ملی بین اقوام برادر افغانستان به امر باداران خارجی شان حس نفرت، تفرقه، نفاق و بدبینی را ایجاد نماید.

خداراشکرگذاریم که این توطیه سکتاریستی این گروپ وطنفروش توسط عده زیادی وطندوستان قدم بقدم افشا میشود ومانند توطیه های دیگرشان نقش زمین میگردد.

**خوانندگان گرامی.**

امروز انانی از شهید سردار محمد داودخان شکوه و ناله دارند، که از فرق سر تا شست پا غرق در خیانت ملی و وطنفروش هستند، این عده افراد بی خبر جاهل و عقیدی / که در وطنفروشی ، خیانت ملی ، قاچاق ، جاسوسی سرتفیکیت بین المللی دارند. و انانیکه صدها هموطنان مظلوم ما را بنام ازدیخواهان و مسلمان قتل عام نموده قریه جات و قصابات شانرا بخاک یکسان ساخته، شکایت و شکوه میکنند.

فرزندان حقیقی و واقعی این وطن، اولاد راستین ، صادق و اصیل کشور ما، هیچوقت شهید سردار محمد داودخان، این راد مرد شجاع ، دلیر ، خدا پرست، میهن دوست و عاشق آبادی کشور که زیادتترین عمر حیات خود را در راه خدمت به وطن و مردم سپری نموده و وی در آخرین دقایق زندگی خود باز هم مردانگی و احساس فداکاری خود را به هموطنان ازاده کشور خود به اثبات رسانید، بد گوی نمیکند.

در اخیر کلام من به این وطنفروشان بینظیر و سرتفیکیت دار خاطر نشان میسازم که امروز چهره کثیف شما وطنفروشان را ملت افغان شناخته، هر گونه دشنام و بد گوی شما به شخص شهید داودخان دلالت بوطن فروشی و رزالت شما میکند، بر عکس بد گوی شما به ضد ان مرحوم به خوبیهای ان راد مرد افزون میگردد، اقایان و جنابان؟ دیموکراتیک، شما که در وطن فروشی، جاسوسی، نوکری، قتل و قتال مردم بیگانه افغانستان برنده جایزه نوبل شدید هر گونه تبلیغ سوء ، دشنام و بدگوی شما به آن شهید والامقام باعث افتخار ما میگردد.

زمانی، طرفداران شهید سردار محمد داود خان شرمنده می بود که شما فرزندان ناخلف افغان از وی به نیکی یاد میکردید، مطمین باشید فرزندان اصیل ، واقعی و میهن دوست افغان هیچ وقت مرحوم شهید سردار محمد داودخان را بنام های بد این و ان یاد نمیکند، فرزندان اصیل و میهن دوست و ازادیخواه افغانستان از وی و کار نامه های عالی و ملی وی قدردانی و سپاس گذاری مینماید.

مرگ به انانی که میهن خود را به اشاره بیگانه گان آنهم بخاطر چوکی و مقام موقتی لیلام کردند .

مرگ به آن بیشعوران و جیره خوران باندیست امینی که امروز در آغوش امپریالیزم خوابیده خود ، اولاد و فامیل های خود را چی در داخل و چی در خارج کشور از پول خیراتی امپریالیزم تغذیه میکند. وسلام.ختم